

کلید موفقیت رشد اقتصادی ایران در گرو گسترش آموزشهای حرفه‌ای و عمومی است

نوشته دکتر منوچهر حاضر

آموزش عالی را دارند. این مسئله کارفرمایان بخش خصوصی و مسئولان بخش دولتی را با مشکل شدید دستیابی به نیروی انسانی ماهر و نیمه ماهر مورد نیاز مشاغل پیچیده و تکنیکی خود روبرو ساخته است. بنابراین، ایران مجبور است برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز خود از سیاستهای وارداتی در این مورد پیروی کند که البته این سیاست برای اقتصاد کشور زیان‌آور خواهد بود.

برابر گزارش سال ۱۹۹۰ بانک توسعه در ایران میانگین رشد سالانه جمعیت بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ برابر ۳ درصد بوده و پیش‌بینی شده که در فاصله بین سالهای ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۰ این رشد به میزان ۳/۱ درصد افزایش خواهد یافت. در ۱۹۸۸ جمعیت ایران برابر ۴۹ میلیون نفر بوده و تا سال ۲۰۰۰ به ۷۰ میلیون نفر و تا سال ۲۰۲۵ به حدود ۱۲۹ میلیون نفر خواهد رسید.^۱

کلید موفقیت رشد اقتصادی ایران بعد از جنگ تحمیلی در گرو آموزش توانمند حرفه‌وفن و آموزشهای عمومی در دبیرستانها و مدرسه‌های عالی دو ساله است.

در حال حاضر، مشکل اصلی در ایران مسئله عرضه و تقاضا در ابعاد مختلف اقتصاد است. عرضه و تقاضای نیروهای انسانی ماهر و نیمه ماهر سرعت در مسیر عکس یکدیگر در حال تغییرند. از نظر تقاضا بیشترین تأکید روی نیروی کاری ماهر و نیمه ماهر است در حالی که از دیدگاه عرضه، نیروی انسانی فقط موزکول می‌شود به ورود فارغ‌التحصیلان دبیرستانها به بازار کار که عملاً از دانش کاری بی‌بهره‌اند. بر اساس تحقیقات نگارنده ۸۷ درصد از فارغ‌التحصیلان دبیرستانها فاقد مهارت مورد نیاز بازار کاری هستند که بدان اشتغال می‌ورزند. به عبارت دیگر آنان فقط شایستگی پیوستن به نظام

کلاً این مسئله باعث خواهد شد که مشکل فعلی پایین بودن سطح پذیرش دانشگاهها و مؤسسات عالی نظام آموزش عالی کشور با چهره‌های جدید ولی بدتر در آتیه‌ای نه چندان دور خودنمایی کند. نظام فعلی آموزش عالی ایران در عین حال که بیشتر محصلین را بر مبنای برنامه‌های آموزش غیر فنی تربیت می‌کند، قدرت جذب و پذیرش تمامی مستقاضیان ورود به مدارس عالی را هم ندارد. برای مثال، در تابستان سال ۱۹۸۸ تعداد مستقاضیان ورود به نظام آموزش عالی برابر ۷۰۰ هزار نفر بودند در پائیز همان سال آموزش عالی ایران فقط توانست ۱۷۰ هزار نفر از آن عده را بپذیرد.

از طرفی دیگر توان کیفی آموزش فارغ‌التحصیلان دبیرستانهای ایران برای بازار کار کافی نیست بنابراین محصلین جذب بازار کار نمی‌شوند و به خیل بیکاران کشور می‌پیوندند، لذا اگر روند فعلی بیکاری جوانان ادامه یابد، باید به همان نسبت افزایش روند در جنایات، یا سایر رفتارهای ناهنجار نظیر افزایش معتادین به مواد مخدر را در بین جوانان انتظار داشت. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که در این جریان چه کسی ضرر می‌بیند و مسئول پرداخت زیان ناشی از این آموزشهای نادرست کیست؟

بیگمان این مالیات‌دهندگان، بازرگانان، صاحبان صنایع و به طور کلی اقتصاد مملکت است که متحمل بیشترین زیانها می‌شوند، زیرا این امر نه تنها در نیروی کاری مملکت نوعی ناتوانی ایجاد می‌کند، بلکه باعث تقلیل استاندارد نحوه زندگی مردم در دوران بازسازی بعد از جنگ می‌گردد.

«کارخوف» اقتصاددان آمریکایی معتقد است که

توسعه نیروی انسانی از طریق برنامه‌های آموزش احتمالاً موجب افزایش کارآیی اقتصادی می‌شود و تقریباً ۳۰ الی ۴۵ درصد از رشد اقتصادی مملکت را در بر می‌گیرد.

خوشبختانه بعد از انقلاب و بویژه در دهه گذشته در دید مردم نسبت به آموزش به طور اعم و آموزشهای مربوط به حرفه و فن بالاخص تغییر ایجاد شده که دیگر مردم به آموزشهای حرفه و فن به عنوان کاری نامناسب نمی‌نگرند و از آن به نام «دست‌های کثیف» یاد نمی‌کنند.

در این مورد پیدا کردن بهترین راه برای آموزش دادن و کارورزی عملی نیروهای کاری آتی ضروری‌ترین اقدام شمرده می‌شود. به عبارت دیگر مبارزه با عدم مهارت در اشتغال و جلوگیری از انجام دادن هر کاری بدون آگاهیهای لازم مناسبترین طریق ممکن برای نیل به مقصود و کسب موفقیت است. این همان چیزی است که کشورهای در حال توسعه در پی آن بوده و یا هستند. بنا به عقیده «الینگ» ژاپنی‌ها صرف نظر از برتری در چندین بازار جهانی، در حال حاضر سرگرم ارتقاء سطح دانش و آگاهی جوانان خود هستند.

«دیوید کرن» مدیر عامل شرکت «زیراکس» نظرات خود در مورد آموزش را بدین ترتیب شرح می‌دهد: «مسئله آموزش نباید با دفاع ملی، کسر بودجه، مسئله اعتیاد یا بیماری ایدز رقابت کند، بلکه باید از آن به عنوان راه حلی برای از میان بردن این گونه مشکلات استفاده کرد». به هر صورت کلید اصلی موفقیت در گرو دگرگونی ریشه‌ای در برنامه‌های دبیرستانها است بدین معنی که باید نظام

- ۳ - باید برای معلمان جهت تدریس در روستاهای ایران جاذبه‌هایی بوجود آورد.
- ۴ - داشتن یک برنامه استراتژیکی، داشتن لابراتوارهای پیشرفته، و تجهیزات مدرن برای آموزش تکنیکی به مردم از اهم واجبات است.
- ۵ - باید تصمیم‌گیرندگان دوراندیش باشند.
- ۶ - آموزش حین خدمت به کارکنان جدید و قدیمی در سازمانهای دولتی و صنایعی نظیر نفت، گازهای طبیعی و صنایع مس توصیه می‌شود.
- ۷ - این بازسازی باید از طریق هر یک از جوامع صورت گیرد و انتخاب برنامه‌های حرفه‌وفن با نیازهای اهدافی این جوامع منطبق باشد.
- این دگرگونی و تحول فرهنگی در سطح ملی می‌تواند به نتایج زیر برسد:
- ۱ - تربیت نیروی انسانی ماهر و نیمه‌ماهر مورد نیاز برای قرار دادن اقتصاد ایران در مسیر صحیح رشد اقتصادی به نحوی که بتواند در عرصه اقتصاد جهانی به رقابت برخیزد.
- ۲ - سالانه ۷۰۰ هزار نفر از جوانانی که مهارت کاری لازم برای ورود به بازار کار دارند به آن بازار جذب شوند.
- بزودی نابهنجاریهای اجتماعی از جامعه ایران ریشه‌کن می‌گردد.
- ۳ - بزودی در کشور به اندازه کافی نیروی ماهر و نیمه‌ماهر پرورش می‌یابد و می‌تواند در بازسازی دوران بعد از جنگ شرکت مؤثر داشته باشد.

- فعلی آموزش را به نظام آموزش خاصی که ترکیبی از دو نظام دانش عمومی و برنامه‌های حرفه‌وفن در سطح کشور باشد، تبدیل کرد.
- موفق‌ترین و مناسبترین راه حل برای تغییر شیوه آموزش، آن برنامه‌هایی می‌تواند باشد که از سطوح محلی نشأت بگیرد مشروط بر آنکه این کار با مشارکت مؤسسات بازرگانی و سازمانهای آموزشی، و رهبران جامعه از طریق برپا کردن کمیته‌های علمی در سطوح محلی و استانی انجام پذیرد. وزیر عنوان یکی از هدفهای ملی به مورد اجرا گذاشته شود.
- برای دستیابی به چنین هدف بزرگی در سطح ملی دست زدن به اقدامات زیر ضروری است:
- ۱ - دخالت مستقیم والدین، بازرگانان، صاحبان صنایع و رهبران آموزش در تغییر این برنامه‌ها الزامی است.
 - ۲ - این برنامه‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که جوانان بتوانند نیازهای فوری جامعه خود را برطرف سازند. مراکز تصمیم‌گیری در این موارد بسایند در روستاها، مناطق شهری یا قطبهای صنعتی جامعه قرار گیرد - در تحقیقاتی که اخیراً توسط نگارنده صورت گرفته به این نتیجه رسیده است که دانش‌آموزان ایران به طور کلی نه تنها از نحوه استفاده از امکانات آموزش بعد از دیپلم فعلی رضایت ندارند، بلکه اجرای برنامه‌های حرفه‌وفن در دوره‌های کاردانی را به عنوان یکی از راه‌های ممکن و مثبت استفاده از فرصتهای آموزش بعد از دیپلم می‌دانند.